



فاطمه امان

کارشناس مسائل ایران
و جنوب آسیا

تهران به تدریج در می‌یابد که عضویت در گروه چندجانبه بریکس، آن چنان که تبلیغ می‌شد، آتش دهان‌سوزی نیست. زمانی که ایران در ژانویه گذشته به بریکس پیوست، دولت آن را سندی بر موفقیت جمهوری اسلامی در عبور از یکی از طولانی‌ترین کارزارهای انزوای جهانی دانست. برای تهران، بریکس بیش از آنکه راه نجات باشد، ابزاری برای کسب اعتبار است. «بانک توسعه جدید» (بانک بریکس) از وام‌دهی به اعضای تحت تحریم اجتناب می‌کند و یکن مراقب است که باعث انتقام جویی ایالات متحده نشود. حتی در مواردی که تفاهم‌نامه‌ها وعده همکاری می‌دهند، قوانین مدیریت ریسک در نهادهای بریکس، ایران را از قراردادهای خطوط اعتباری واقعی دور نگه می‌دارد. یک تحلیل نشان داد که ارزش بریکس برای ایران کمتر در پول و بیشتر در «پوشش سیاسی» نهفته است. این بلوک به ایران مشروعیت می‌دهد، نه اهرم فشار. با این حال، تهران از هر نشست برای پیشبرد اهداف فنی کوچک استفاده می‌کند: اهدافی مانند فروش نفت با یوان یا درهم، مسیرهای ترانزیتی جدید از طریق کریدور شمال-جنوب و شبکه تجاری که هند، ایران و روسیه را از طریق خلیج فارس و دریای خزر به هم متصل می‌کند. این رامی‌توان انطباقی با شرایط تحت فشار دانست، اما در عین حال یادآور وزن ناچیز ایران در این گروه چندجانبه است. بریکس از چندجانبه‌گرایی سخن می‌گوید، اما قطب‌ها با هم برابر نیستند. چین با تجارت خود سلطه دارد و روسیه به دنبال فضای تنفس استراتژیک است. یکن اکنون بیش از ۹۰ درصد صادرات نفت خام ایران (حدود ۱/۴ میلیون بشکه در روز تا اواسط سال ۲۰۲۵) را خریداری می‌کند؛ نفتی که عمدتاً با تخفیف، از طریق واسطه‌ها و با ارزهای غیردلاری فروخته می‌شود. این تخفیف که اکنون بیش از ۶ دلار در هر بشکه نسبت به نفت برنت است. این عدم تعادل ساختاری است: بشکه‌های نفت ایران تقریباً تمام صادرات تهران را تشکیل می‌دهند، اما تنها حدود ۱۲ درصد از واردات چین را شامل می‌شوند. ایران به طور فزاینده‌ای بریکس را به عنوان یک پروژه «دلارزدایی» تبلیغ می‌کند تا وابستگی خود را بازتعریف کند، اما در واقعیت، این یک موسیقی متن سیاسی است، نه مالی. تهران مدام پروژه‌های جدید بریکس را تبلیغ می‌کند: یک منطقه آزاد تجاری در اینجا، یک اتصال حمل‌ونقلی در آنجا. اما همه می‌دانند چه چیزی مانع آن‌هاست: تحریم‌های ایالات متحده. نهادهای بریکس، از جمله نهادهای چینی، همچنان پول را از طریق بیمه‌گران و اتاق‌های پایاپای مبتنی بر دلار جابه‌جایی می‌کنند. تحریم‌ها همچنان سناریو را می‌نویسند، هر شریک خارجی بزرگی ریسک از دست دادن سیستم پایاپای دلاری یا بیمه را در صورت زیاده‌روی می‌پذیرد. پالایشگاه‌های چینی و هندی این را می‌دانند: آن‌ها ممکن است روی کاغذ با واشنگتن مخالفت کنند، اما نفکتش‌ها، بیمه‌گران و کارگزاران آن‌ها همچنان در دنیای دلاری فعالیت می‌کنند. بریکس می‌تواند تا ابد درباره «دلارزدایی» بحث کند، اما سیم‌کشی تجارت جهانی تغییر نکرده است. وابستگی، با خود پیش‌بینی‌پذیری می‌آورد. ایران با گره زدن صادرات خود به چند خریدار شرقی، تقاضای ثابتی را تضمین می‌کند، اما این درآمدها تنها می‌تواند هزینه واردات را تأمین کند و نه نوسازی اقتصاد را. برای اقتصادی در بند تحریم، حتی این هم مانند اکسیژن است. اما ثبات به معنای همبستگی نیست. در نشست امسال ریودوژانیرو، بریکس «حملات یک‌جانبه» به ایران در حملات هوایی ژوئن به تأسیسات هسته‌ای را محکوم کرد، اما از نام بردن از اسرائیل خودداری کرد. این حرکت صرفاً همدلی بود، نه تأمین امنیت: سندی بر اینکه اتحاد سیاسی این بلوک جایی به پایان می‌رسد که منافع اعضا با غرب آغاز می‌شود. در داخل ایران، استقلال به «مقاومت» و «تاب‌آوری» تغییر شکل داده است. رسانه‌ها بریکس را «محرك اصلی اراده جمعی بین‌المللی برای ساختن جهانی عادلانه‌تر» به تصویر می‌کشند. همان زبان اخلاقی که زمانی برای غیرمتعهدها به کار می‌رفت، اکنون برای توجیه شراکت با همتایان اقتدارگرا استفاده می‌شود. ایران دیگر رهبر «جنوب جهانی» نیست؛ بلکه صرفاً در میان آن‌ها نشسته است. در نهایت، بریکس بیش از آنکه یک نقطه عطف باشد، مانند یک آینه عمل می‌کند: آینه‌ای که نشان‌دهنده کشوری است که خود را با محدودیت‌ها تطبیق می‌دهد، نه اینکه بر آن‌ها غلبه کند. ایران به دلیل تحریم‌ها و حکمرانی داخلی خود، از این قافله عقب مانده است. استقلال ایدئولوژیک به وابستگی استراتژیک تبدیل شده است. بریکس به تهران «دیده شدن» می‌دهد اما قدرت کنترل ناچیزی به او می‌سپارد؛ صندلی در میز مذاکره، بدون حق انتخاب منوی غذا. تبدیل این صندلی به یک اهرم فشار، نیازمند شفافیت، دیپلماسی معتبر و چشم‌انداز اقتصادی روشن‌تری است.



چین علیه تمام‌میت‌ارضی ایستاد چرا یکن برای چندمین بار از ادعاهای امارات درباره جزایر سه‌گانه حمایت کرد؟ ایستاد



شهاب شهنساری

خبرنگار گروه دیپلماسی

تور پنج‌روزه وانگ ئی، وزیر خارجه چین، به خاورمیانه بازتاب متفاوتی در ایران داشت. وانگ ئی در نخستین مقصد سفر خود در امارات متحده عربی، پای‌بیانیه‌ای را امضا کرد که بار دیگر در آن ادعاهای ارضی ابوظبی در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی تکرار شده بود. این بیانیه بلافاصله با واکنش سخنگوی وزارت امور خارجه

جمهوری اسلامی ایران مواجه شد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به بیانیه پایانی سفر وانگ ئی به امارات متحده عربی «تکرار ادعای بن‌اساس و نادرست در مورد جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در بیانیه پایانی سفر وزیر امور خارجه چین به امارات را محکوم کرد.» اهمیت همسویی اخیر چین با امارات متحده عربی در همزمانی آن با تازه‌ترین بیانیه شورای همکاری خلیج فارس است که ضمن تکرار ادعاهای پیشین در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی، طیف وسیعی از تعرض‌های جدید به ایران را رقم زد.

در بیانیه اخیر شورای همکاری خلیج فارس با گسترده‌تر شدن ادعاها علیه ایران، ساخت و ساز واحدهای مسکونی و توسعه زیرساختی در ابوموسی، رفت و آمد مقامات ارشد نظامی و برگزاری رزمایش‌های دوره‌ای و ثبت رسمی «روز ملی جزایر سه‌گانه» در تقویم کشور به عنوان «نقض حقوق امارات متحده عربی» عنوان شده است. این همزمانی نشان می‌دهد که امارات متحده عربی تلاش‌های خود را برای اجماع‌سازی علیه تمامیت ارضی ایران تشدید کرده است و از ابزارهای مختلف از جمله جلب حمایت متحدان ایران برای اقدام علیه تمامیت ارضی ایران استفاده می‌کند. حمایت چین و روسیه از موضع امارات، می‌تواند باعث شود که تنها متحدان ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد، در شرایط سخت فعلی ایران در جامعه جهانی به سمت ادعاهای امارات متمایل شوند و در صورت ارجاع پروند جزایر سه‌گانه به شورای امنیت، به نفع ایران اقدام نکنند. اقدام وزیر امور خارجه چین در امارات با واکنش‌های گسترده‌ای در تهران مواجه شد. این نخستین بار نیست که دولت جمهوری خلق چین در نشست‌های مشترک با کشورهای عربی با ادعاهای امارات متحده عربی علیه ایران همراهی می‌کند. سفر وانگ‌ئی به منطقه در سومین سالگرد سفر تاریخی شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور خلق چین به ریاض انجام می‌شود. در سفری که آذرماه سال ۱۴۰۱ رئیس‌جمهور چین به منطقه داشت دوبیانیه مشترک با عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس امضا شد که در هر دو آنها با ادبیات تندی علیه ایران سخن گفته شده بود. سفر سه سال پیش شی سه ماه پیش از آن انجام شد که ایران و عربستان سعودی با میانجی‌گری چین به توافقی برای عادی‌سازی روابط در یکن دست پیدا کردند. بیانیه‌های شی جین‌پینگ در ریاض با واکنش بسیار تندی در داخل کشور مواجه شد. این در حالی بود که تیرماه همان سال جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در سفری به جدّه با رهبران کشورهای شورای عربی و شورای همکاری خلیج فارس دیدار کرده بود و در بیانیه پایانی هیچ اشاره‌ای به ادعای ارضی امارات متحده عربی علیه ایران نشده بود.

تهران که در شرایط سخت روابط خارجی قرار دارد و پس از توقف مذاکرات هسته‌ای با غرب و فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌ک توسط کشورهای اروپایی به شدت به حمایت روسیه و چین وابسته شده است، ابزارهای محدودی برای واکنش به این اقدام چین در اختیار دارد. واکنش به این بیانیه در تهران به جای «احضار» سفیر چین به وزارت امور خارجه، به یک دیدار صمیمانه با سفیر چین و به میزبانی سفارت چین ختم شد. بر اساس گزارش رسانه‌ها علی‌اکبر نظری، مدیر تشریفات وزارت خارجه، روز پنج‌شنبه مهمان زونگ پی وو، سفیر چین در ایران بود. در جریان این ملاقات گفت‌وگوی صمیمانه‌ای در مورد پروتکل‌ها و مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین پتانسیل‌های گردشگری ایران انجام شد.

▼ نرم‌تر از بیانیه ۱۴۰۱

اقدام وانگ‌ئی در سفر به امارات متحده عربی بی‌سابقه نبود و استمرار سیاست چین در همراهی و همسویی با کشورهای عربی منطقه در موارد اختلافی با ایران است. در بیانیه‌های مشترکی که آذرماه سال ۱۴۰۱ میان شی جین‌پینگ و کشورهای عربی منطقه امضا شده بود، انتقادهای متعددی از سیاست منطقه‌ای ایران مطرح شده بود و از جمله به موضوع برنامه موشکی، برنامه پهلپادی و برنامه هسته‌ای ایران به عنوان خطری برای منطقه اشاره شده بود و ایران به حمایت از گروه‌های تروریستی و دخالت در امور داخلی همسایگان متهم شده بود. محتوای این بیانیه و واکنش‌های گسترده در ایران باعث شد تا چین برای دلجویی از مقام‌های ایرانی معاون نخست‌وزیر وقت، هو چون‌هوا را به تهران اعزام کند. در دیدار هو چون‌هوا با سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت ایران، تهران به تندی به یکن واکنش نشان داد. برخلاف بیانیه شی جین‌پینگ در سال ۱۴۰۱، بیانیه اخیر وانگ ئی در سفر به امارات متحده عربی اشاره مستقیمی به نام ایران نکرده بود و لحنی نسبتاً نرم‌تر نسبت به بیانیه‌های مشترک قبلی چین و امارات متحده عربی داشت. در این بیانیه که دوشنبه هفته گذشته منتشر شد، آمده بود: «طرف چینی از تلاش‌های امارات متحده عربی برای حل مسالمت‌آمیز مسئله جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی از طریق مذاکرات دوجانبه و بر اساس موازین حقوق بین‌الملل، از جمله منشور سازمان ملل متحد، حمایت کرد.» سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از «اصرار امارات بر بهره‌برداری سوء از حضور هر هیئت دیپلماتیک در این کشور جهت طرح ادعای ارضی علیه ایران» اظهار تأسف کرد و تأکید کرد: «جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک بخش‌های جدایی‌ناپذیر از قلمرو سرزمینی ایران هستند و هرگونه ادعای ارضی نسبت به آنها آشکارا با اصل احترام به تمامیت سرزمینی کشورها و حسن‌همجواری مغایر است.»

▼ بی‌توجهی چین به خطوط قرمز ایران

اقدام مجدد چین در همسویی با امارات متحده عربی در ادعاهای ارضی علیه ایران با واکنش‌های تندی در داخل کشور مواجه شد. بسیاری از کارشناسان معتقدند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی به دلیل نادیده گرفتن



دیدار وانگ ئی، وزیر خارجه چین و عبداللّه بن زاید، وزیر خارجه امارات